



تأثیر اندازه و دوره تصدی حسابرس بر حق الزحمه غیر منتظره حسابرسی

✍ بهزاد قربانی، محسن خزاعی

مقدمه

این مقاله به بررسی تأثیر اندازه و دوره تصدی حسابرس بر حق الزحمه غیر عادی حسابرس می‌پردازد. با رشد رقابت در حرفه حسابرسی، مؤسسه‌های حسابرسی ضرورت ارائه خدمات با کیفیت‌تر به بازار را بیشتر دریافته‌اند و برای رقابت بر پایه‌ای به غیر از حق الزحمه، به دنبال متفاوت کردن خدمات خود هستند.

انجام حسابرسی نخستین، مستلزم صرف وقت و سرمایه‌گذاری بیشتر از سوی حسابرس برای شناخت اولیه از صاحب‌کار است. این هزینه‌های اضافی ممکن است باعث افزایش بهای تمام‌شده حسابرسی نخستین در مقایسه با بهای تمام‌شده حسابرسی سالهای آینده شود (Flanigan, 2002).

یک روز کار حساب‌رسان سطوح مختلف در مؤسسه‌های حسابداری با توجه به شهرت یا تخصص هر حساب‌رسان، متفاوت است (عزیزخانی و آقاییگی، ۱۳۹۲).

میزان حق‌الزحمه پرداختی به حساب‌رسان، به دو روش ممکن است بر کیفیت کار حساب‌رسان اثر بگذارد. هرچه حق‌الزحمه بیشتری برای حساب‌رسان در نظر گرفته شود، تلاش وی نیز بیشتر شده و کیفیت کار را بالا می‌برد؛ اما در این صورت، حساب‌رسان از نظر مالی به مشتریان خود وابسته شده و این امر باعث از دست رفتن استقلال آنان می‌شود و در نتیجه به‌خاطر نگرانی از دست دادن کار، حساب‌رسان ممکن است روش‌های حسابداری را به‌شکل مناسبی انجام ندهند. البته، این کار ممکن است بعدها عواقب مالی بدی برای آنان به‌همراه داشته باشد (Desai, 2012).

حق‌الزحمه‌های غیرعادی منفی، با کیفیت حسابداری رابطه معناداری ندارد؛ در حالی که حق‌الزحمه‌های غیرعادی مثبت (مازاد حق‌الزحمه‌های واقعی به استاندارد)، با کیفیت حسابداری رابطه معکوسی دارد. حق‌الزحمه‌های غیرعادی مثبت باعث از دست دادن استقلال حساب‌رسان و در نتیجه کاهش کیفیت حسابداری می‌شود (Choi et al., 2009).

چنانچه سرمایه‌گذاران به این موضوع پی ببرند که حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابداری ناشی از وابستگی اقتصادی حساب‌رسان به صاحب‌کاران است، استقلال حساب‌رسان از بین رفته و کیفیت گزارشگری مالی شرکت کاهش می‌یابد و این باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران به اطلاعات شرکت پایبند نباشند.

اما اگر تصور سرمایه‌گذاران از حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابداری ناشی از عوامل دیگری باشد و تصورشان این باشد که حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابداری باعث از بین رفتن شهرت و بی‌اطمینانی به اظهارنظر آنان می‌شود، اطلاعات شرکت را پشتمانه خوبی برای ارزیابی قیمت سهام می‌دانند (Xinhua, 2009).

کارایی حساب‌رسان در افزایش اعتبار گزارشگری مالی با توجه به اندازه مؤسسه حسابداری، متفاوت است (Du & Zhou, 2014). **هنوک** (Henock, 2005) نشان داد که مؤسسه‌های حسابداری بزرگ‌تر، خدمات حسابداری با کیفیت‌تری ارائه می‌دهند؛ زیرا آنها

بر این اساس، چنانچه حساب‌رسان درصدد ارائه تخفیف در حق‌الزحمه حسابداری نخستین برآید و این تخفیف را به امید بازیافت هزینه‌های انجام‌شده اضافی برای شناخت صاحب‌کار در قراردادهای آینده حسابداری از طریق افزایش حق‌الزحمه‌های آینده ارائه کند، امکان دارد انجام چنین کاری او را به سمت پذیرش خواسته‌های صاحب‌کار و در راستای حفظ رابطه با او سوق دهد. این موضوع ممکن است باعث ایجاد خدشه در استقلال حساب‌رسان و در نهایت، کیفیت حسابداری شود (Geiger & Raghunandan, 2002).

چنانچه حساب‌رسان انتظار تداوم ارتباط کاری خود با صاحب‌کار برای سال‌های بعد از حسابداری نخستین را نداشته باشد (احتمال وجود تغییر حسابداری)، رقم اولین قرارداد حسابداری بابت سرمایه‌گذاری اضافی لازم برای شناخت اولیه، تعدیل شده و در نتیجه، مبلغ حق‌الزحمه حسابداری نخستین، بالاتر خواهد بود.

با وجود این، چنانچه حساب‌رسان به دلایل شرایط رقابتی، امکان افزایش مبلغ حق‌الزحمه حسابداری نخستین را نداشته باشد، این امر ممکن است از طریق کاهش دادن حجم رسیدگی‌های لازم برای اثبات مانده حساب‌ها و در نتیجه، کاهش کیفیت حسابداری، تأثیر منفی بر فرایند حسابداری داشته باشد (Glater, 2002). یک صاحب‌کار منفرد برای یک حساب‌رسان بزرگ از اهمیت چندانی برخوردار نیست و در صورت اظهارنظر نادرست، حساب‌رسان بزرگ اعتبار و شهرت بزرگتری (تمام صاحب‌کاران) را از دست می‌دهد (DeAngelo, 1981).

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اندازه مؤسسه‌های حسابداری با توجه به تعداد کارمندان و متخصصان آنها تعیین شده و میزان سال‌های حسابداری یک شرکت را دوره تصدی حسابداری می‌نامند (Libby & Frederick, 1990).

از نخستین نکته‌هایی که باید مورد توافق حساب‌رسان و صاحب‌کار قرار گیرد، مبلغ حق‌الزحمه است. بنابراین، مؤسسه‌ها در آغاز توافق با صاحب‌کار، وقت لازم برای انجام حسابداری را به‌طور تقریبی تعیین کرده و به اطلاع صاحب‌کار می‌رسانند تا او بتواند نسبت به مبلغ کل حق‌الزحمه احتمالی، آگاه شود. حق‌الزحمه یک ساعت یا

این مقاله به بررسی نتایج پژوهش انجام شده برای بررسی تأثیر اندازه مؤسسه حسابرسی و دوره تصدی حسابرس بر حق الزحمه غیرعادی حسابرس می پردازد



حق الزحمه حسابرسی دارند.

ابراهیمی کردلر و رحمتی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی رابطه اندازه، دوره تصدی و تخصص حسابرس در صنعت با نقدشوندگی سهام پرداخته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد اندازه مؤسسه حسابرسی با نقدشوندگی سهام، رابطه مستقیمی دارد و چنانچه از معیار آمی‌هود (Amihud) به عنوان متغیر وابسته استفاده شود، دوره تصدی مؤسسه حسابرسی با نقدشوندگی سهام رابطه مستقیمی دارد. مهرانی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی نقش ویژگیهای حسابرس در کیفیت سود پرداختند و دریافتند که دوره تصدی

علاقه‌مندند که شهرت بیشتری در بازار کار به دست آورند و از آنجایی که تعداد صاحبکارانشان زیاد است، نگران از دست دادن آنها نیستند.

حسابرسان با گذشت زمان، شناخت بهتری از فعالیتهای صاحبکار واحد تجاری به دست آورده و تجربه بیشتری نیز کسب می‌کنند که توانایی‌شان در مورد مناسب بودن یا نبودن رویه‌های حسابداری و گزارشگری، افزایش می‌یابد. رابطه درازمدت حسابرس و صاحبکار، ممکن است کیفیت حسابرسی را بهبود بخشد؛ ولی از طرفی، با افزایش تداوم انتخاب حسابرس، حق الزحمه حسابرسی کاهش پیدا می‌کند (Sinnett, 2004).

در مورد رابطه تداوم انتخاب حسابرس و کیفیت حسابرسی دو دیدگاه وجود دارد؛ در یک دیدگاه اعتقاد بر این است که رابطه درازمدت میان صاحبکار و حسابرس، باعث نزدیکی بیش از حد آنان و موجب آسیب دیدن استقلال حسابرس و کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود.

در دیدگاه دیگر، به مشکلات حسابرسی در سالهای اولیه رابطه حسابرس با صاحبکار اشاره می‌شود.

از این دیدگاه، نداشتن آشنایی دقیق با مواردی مانند نوع عملیات، سامانه حسابداری و ساختار کنترل داخلی شرکت مورد رسیدگی، افزون بر اینکه موجب افزایش هزینه‌های حسابرسی می‌شود، ممکن است باعث افزایش احتمال کشف نشدن اشتباه‌های بااهمیت و تخلفهای اساسی از سوی حسابرس شود (سجادی و همکاران، ۱۳۸۹).

یافته‌های پژوهش خواجه‌وی و کیامهر (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که اندازه مؤسسه حسابرسی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های بورسی براساس هزینه مؤثر مالیاتی و تفاوت دفتری مالیات، تأثیر مستقیم و معنی‌داری دارد. این در حالی است که دوره تصدی حسابرس بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های بورسی، تنها براساس هزینه مؤثر مالیاتی تأثیر مستقیم و معنی‌داری دارد.

واعظ و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی شرکتها پرداختند. نتایج پژوهشی نشان‌دهنده این است که عوامل تداوم انتخاب حسابرس و اندازه مؤسسه حسابرسی، رابطه مستقیم و معناداری با

دسای (Desai, 2012) نشان داد مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ به دلیل کیفیت بالای حسابرسی، حق الزحمه بیشتری نسبت به مؤسسه‌های حسابرسی دیگر دریافت می‌کنند.

گریفین و لونت (Griffin and Lont, 2011) در پژوهشهای خود نشان دادند که حق الزحمه حسابرس، رابطه معنی‌داری با عواملی چون نوع گزارش حسابرسی، تغییر حسابرس، نوع صنعت، نسبت جاری، تعداد بخشهای واحد تجاری و اندازه صاحبکار دارد.

یافته‌های **لی** (Li, 2010) نشان داد که اهمیت صاحبکار، نقش مهمی در ارتباط درازمدت حسابرس با صاحبکار بازی می‌کند و دوره تصدی طولانی، تهدید بزرگی برای استقلال حسابرس در شرکت‌های کوچک است. افزون بر این، یافته‌های او از نگرانیهای قانونگذاران در مورد اثر منفی بالقوه دوره تصدی بر کیفیت حسابرسی، حمایت کرد.

چوی و همکاران (Choi et al., 2009) به بررسی رابطه بین حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی و کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که حق الزحمه‌های غیرعادی منفی (مازاد حق الزحمه‌های استاندارد به واقعی)، با کیفیت حسابرسی رابطه معناداری ندارد؛ در حالی که حق الزحمه‌های غیرعادی مثبت (مازاد حق الزحمه‌های واقعی به استاندارد)، با کیفیت حسابرسی رابطه معکوسی دارد.

نتایج پژوهشی آنها حاکی از آن بود که حق الزحمه‌های غیرعادی مثبت، باعث از دست دادن استقلال حسابرسان و در نتیجه کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود.

به عقیده **زین هووا** (Xinhua, 2009)، اگر سرمایه‌گذاران به این موضوع پی ببرند که حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی ناشی از وابستگی اقتصادی حسابرسان به صاحبکاران است، استقلال حسابرس از بین می‌رود و کیفیت گزارشگری مالی شرکت کاهش می‌یابد و این امر باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران به اطلاعات شرکت پایبند نباشند. اطلاعات شرکت پشوانه‌ای برای قیمت سهام در بازار (بورس) نیست. اما اگر تصور سرمایه‌گذاران از حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی ناشی از عوامل دیگری باشد (غیر از وابستگیهای اقتصادی) و تصورشان این باشد که حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی باعث از بین بردن شهرت و نبود اطمینان به

حسابرس، اثر معناداری بر کیفیت سود ندارد.

همچنین، یافته‌های پژوهشی نشان داد که مدت زمان رابطه حسابرس و صاحبکار، اثر معناداری بر کیفیت سود، صاحبکار ندارد. نبود رابطه معنادار بین اندازه مؤسسه حسابرسی و کیفیت سود، بدین معناست که تفاوتی بین کیفیت سود شرکت‌های حسابرسی شده از سوی سازمان حسابرسی و مؤسسه‌های عضو جامعه حسابداران رسمی، وجود ندارد و بین عملکرد این مؤسسه‌ها و سازمان حسابرسی نیز تفاوت معناداری نیز وجود ندارد.

به‌گونه‌ای مشابه، **کرمی و همکاران** (۱۳۹۰) رابطه میان دوره تصدی حسابرس و قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری به‌عنوان انعطاف‌پذیری در مدیریت سود را مورد آزمون قرار دادند که نتایج پژوهشی آنها نشان داد با افزایش دوره تصدی حسابرس، انعطاف‌پذیری مدیریت در استفاده از اقلام تعهدی اختیاری افزایش می‌یابد.

سپس در بررسی رابطه میان دوره تصدی و سطح اقلام تعهدی اختیاری، نتایج آنها به رابطه معکوس معنی‌داری رسیده که بیانگر این ادعاست که مدیریت از انعطاف‌پذیری به‌وجودآمده در جهت منفی استفاده می‌کند.

نمازی و همکاران (۱۳۹۰) دریافتند که رابطه مستقیم و غیرمعنی‌داری بین اندازه حسابرس با مدیریت سود وجود دارد. بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود نیز رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد.

کامپریکس و هانگ (Comprix & Huang, 2015) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین اندازه مؤسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی، رابطه معکوس و معناداری وجود دارد؛ یعنی، مؤسسه‌های حسابرسی کوچک‌تر از کیفیت حسابرسی بالاتری برخوردارند.

چن و همکاران (Chen et al., 2014) بیان می‌کنند حسابرسان با گذشت زمان، شناخت بهتری از فعالیت‌های صاحبکار به‌دست آورده و تجربه بیشتری کسب می‌کنند و به این ترتیب، توانایی آنها در مورد مناسب بودن یا نبودن روشهای حسابداری و گزارشگری، افزایش می‌یابد. بنابراین، رابطه درازمدت حسابرس و صاحبکار ممکن است کیفیت حسابرسی را بهبود بخشد.

اظهار نظر آنان می‌شود، اطلاعات شرکت را پشتوانه خوبی برای ارزیابی قیمت سهام می‌دانند.

چن و هسو (Chen and Hsu, 2009) دریافتند که رابطه مستقیمی بین اندازه حسابرس و کیفیت حسابرسی مؤسسه‌های بزرگ حسابرسی نسبت به مؤسسه‌های کوچک حسابرسی، وجود دارد؛ اما این تفاوت در مورد مؤسسه‌های حسابرسی متوسط نسبت به مؤسسه‌های کوچک، صدق نمی‌کند.

آنها بین کیفیت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی مؤسسه‌های بزرگ حسابرسی نسبت به مؤسسه‌های کوچک حسابرسی، رابطه مستقیم قوی یافتند؛ اما این موضوع بین مؤسسه‌های حسابرسی متوسط و مؤسسه‌های کوچک تفاوتی نداشت.

در هر صورت، شواهد تجربی آنها از اندازه مؤسسه حسابرسی به عنوان مبنایی برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، حمایت می‌کند و نشان می‌دهد که مؤسسه‌های بزرگ حسابرسی با کیفیت حسابرسی بالا، حق الزحمه اضافی دارند.

گول و همکاران (Gul et al., 2007) در پژوهشی مشابه، دریافتند که تأثیر حق الزحمه‌های غیرحسابرسی بر استقلال حسابرسان، مشروط به دوره تصدی است؛ یعنی، حق الزحمه‌های بالای غیرحسابرسی تنها در صورتی که دوره تصدی حسابرس کوتاه باشد، ممکن است استقلال و بی‌طرفی حسابرسان را مخدوش کند. ایشان مشاهده کردند در شرکت‌هایی که مدت تصدی مؤسسه‌های حسابرسی آنها کمتر از سه سال است، بین حق الزحمه‌های غیرحسابرسی و میزان اقلام تعهدی اختیاری، رابطه مستقیمی وجود دارد.

گیتزمن و سن (Gietzman and Sen, 2003) معتقدند زمانی که حسابرسان حق الزحمه‌های بالایی از صاحبکاران خود دریافت می‌کنند، تمایل بیشتری دارند تا قرارداد خود را با همان صاحبکار تمدید کنند که این موضوع، ممکن است انگیزه حسابرس را در حفظ استقلال کاهش دهد.

نتیجه پژوهش

نتایج این بررسی نشان می‌دهد که اندازه مؤسسه حسابرسی، تأثیری معکوس و معنادار بر حق الزحمه غیرعادی حسابرس دارد.

وجود تأثیر منفی اندازه مؤسسه حسابرسی بر حق الزحمه غیرعادی حسابرس نشان می‌دهد که با افزایش اندازه مؤسسه حسابرسی، حسابرسان تمایل به دریافت حق الزحمه غیرعادی ندارند. به عبارت دیگر، هنگامی که اندازه مؤسسه حسابرسی بزرگ‌تر باشد، حسابرسان درخواست حق الزحمه غیرعادی ندارند؛ زیرا مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ به علت داشتن شهرت و مشتریان بیشتر، اصراری به دریافت حق الزحمه غیرعادی ندارند.

دوره تصدی حسابرس، تأثیر مستقیم و معناداری بر حق الزحمه غیرعادی حسابرس دارد؛ یعنی با طولانی شدن دوره تصدی حسابرس، حق الزحمه غیرعادی حسابرس افزایش می‌یابد.

همچنین، چنین به نظر می‌رسد که دوره تصدی درازمدت مؤسسه حسابرسی به ظاهر موجب وابستگی اقتصادی آن شده است.

در نتیجه، مؤسسه حسابرسی تمایل به دریافت حق الزحمه غیرعادی دارد؛ یعنی، حضور درازمدت حسابرس در کنار صاحبکار واحد تجاری، موجب تمایل حسابرس به حفظ و رعایت نظر مدیریت صاحبکار می‌شود؛ وضعیتی که استقلال و بی‌طرفی او را مخدوش می‌کند. البته، این کار ممکن است عواقب ناخوشایندی برای آنان به همراه داشته باشد؛ امری که در نتیجه رابطه بین صاحبکار و حسابرس به وجود می‌آید.

طبق بررسی‌های به عمل آمده، پژوهشی که به طور کامل مشابه با موضوع این پژوهش باشد، به ظاهر انجام نشده است؛ با این حال، وجود تأثیر معکوس و معنادار اندازه مؤسسه حسابرسی بر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی به نوعی با یافته‌های پژوهش‌های گریفین و لونت (۲۰۱۱)، چوی و همکاران (۲۰۰۹) و زین هووا (۲۰۰۹) مطابقت دارد؛ هر چند با یافته‌های دسای (۲۰۱۲) و واعظ و همکاران (۱۳۹۳)، همخوانی ندارد.

همچنین طبق یافته‌های پژوهشی، وجود تأثیر مستقیم و معنادار دوره تصدی حسابرس بر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی، با نتایج پژوهش‌های دسای (۲۰۱۲) و گیتزمن و سن (۲۰۰۳)، همخوانی دارد.

چنین به نظر می‌رسد که

دوره تصدی درازمدت

مؤسسه حسابرسی

به ظاهر موجب

وابستگی اقتصادی آن

شده است



بازده داخلی مبتنی بر باز یافت وجوه نقد نسبت به نرخ بازده داراییها در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، دوره ۳، شماره ۱۰، ۱۳۹۱، صص ۷۱-۹۲

• خواجهی شکراله و محمد کیامهر، بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و اجتناب مالیاتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات، سال بیست و سوم، شماره ۲۶ (پیاپی ۷۴)، ۱۳۹۴

• رحیمیان نظام الدین و رضا جان فدا، نظام راهبری شرکتی و محدودیتهای مالی (حساسیت سرمایه گذاری به جریان نقد)، فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه گذاری، سال سوم، شماره دهم، ۱۳۹۳

• سجادی سیدحسین، حسن فراز مند، و صادق قربانی، تأثیر تداوم انتخاب حسابررس بر کیفیت حسابرسی، پیشرفتهای حسابداری، علوم

پیشنهادهایی در راستای یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از پژوهش انجام شده نشان می‌دهد که اندازه مؤسسه حسابرسی بر حق الزحمه غیرعادی حسابررس تأثیر معکوس و معناداری دارد.

در صورتی که به دنبال افزایش استقلال حسابرسان و به تبع آن دریافت اطلاعات بیشتر و باکیفیت تری باشیم، پیشنهاد می‌شود شرکتهای پذیرفته شده در بورس به حسابرسی از سوی مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ تر تشویق شوند تا در این راستا، حق الزحمه غیرعادی حسابررس نیز به کمترین حد برسد.

دوره تصدی حسابرسی، تأثیر مستقیم و معناداری بر حق الزحمه غیرعادی حسابررس دارد.

با توجه به این موضوع، دوره طولانی تصدی حسابررس، در شرکتهای موجب وابستگیهای اقتصادی صاحبکار با حسابررس می‌شود.

در نتیجه، به احتمال زیاد با افزایش دوره تصدی حسابررس، مؤسسه حسابرسی تمایل به دریافت حق الزحمه غیرعادی بیشتری دارد که این علامت منفی، نبود اطمینان اطلاعاتی را نشان می‌دهد و این وابستگیهای اقتصادی، سبب از بین رفتن استقلال حسابررس نیز می‌شود.

طبق نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که سازوکاری به منظور کوتاهتر شدن دوره همکاری حسابررس و صاحبکار، تدوین شود.

همچنین، با توجه به اینکه هدف هیئت مدیره و مدیران این است که اعتماد مالکان و سرمایه‌گذاران را فراهم کنند، به آنها پیشنهاد می‌شود که از مؤسسه‌های بزرگ حسابرسی و دوره‌های تصدی کوتاهتر استفاده کنند.



منابع:

- ابراهیمی کردلر علی و سلمان رحمتی، بررسی رابطه اندازه، دوره تصدی و تخصص حسابررس در صنعت با نقدشوندگی سهام، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، نشریه ۲۱، ۱۳۹۲
- پیری پرویز و امیر شیخ محمدی، بررسی ارتباط بین اندازه مؤسسه حسابرسی و تعداد صاحبکاران مؤسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی، دانش حسابرسی، سال ۱۳، شماره ۵۱ علمی پژوهشی ۲۰، ۱۳۹۲، صص ۲۴-۵
- خانی عبدالله و مجید حقیقی، محتوای فزاینده و نسبی اطلاعات نرخ

com/, 2012

- Du J., and G. Zhou, **Big N Auditors and Earnings Response Coefficients –A Comparison Study between the US and China**, China Accounting and Finance Review, 16(2), 2014, pp. 183-201
- Flanigan J., **Anderson's Pain will Strengthen System**, Los Angeles Times, (March 24): C1, 2002
- Gietzman M.B., and P.K. Sen, **Improving Auditor Independence through Selected Mandatory Rotation**, International Journal of Auditing, Vol. 6, 2003, pp. 183-210
- Glater J., **Audit Firms Await Fallout and Windfall**, the New York Times, (March 14): C1, 2002
- Geiger M.A., and K. Raghunandan, **Auditor Tenure and Audit Reporting Failures**, Auditing: A Journal of Practice & Theory, 21(1), 2002, pp. 67-78
- Griffin A., H. Lont, and S. Yuan, **Agency Problems and Audit Fees: Further Tests of the Free Cash Flow Hypothesis**, Journal of Finance, Vol. 1, 2011, pp: 1-35
- Gul F., L. Bikki, J. Gopal, and V. Krishnan, **Auditor Independence: Evidence on the Joint Effects of Auditor Tenure and Non-Audit Fees**, Auditing: A Journal of Practice & Theory, Vol. 26, No. 2, 2007, pp. 117-142
- Henock L., **Acquirers Abnormal Returns, Audit Firm Size and the Small Auditor Clientele Effect**, Journal of Accounting and Economics, 2005
- Hoitas R., Markelevich, and C.A. Barragato, **Auditor Fees and Audit Quality**, Managerial Auditing Journal, 22, 2008, pp. 761-786
- Joseph C., and H. Huichi, **Does Auditor Size Matter? Evidence from Small Audit Firms**, Advances in Accounting, Incorporating Advances in International Accounting, 2015, pp. 11-20
- Libby R., and D. Frederick, **Experience and the Ability to Explain Audit Finding**, Journal of Accounting Research, Vol. 28, 1990, pp. 348-367
- Li D., **Does Auditor Tenure Affect Accounting Conservatism?** Account, Public Policy, 29, 2010, pp. 226-241
- Sinnett W., **Are There Good Reasons for Auditor Rotation?** Financial Executive 20 (7), 2004, pp. 29-32
- Xinhua W., **Do Abnormal Audit Fees/Non-Audit Fees Communicate Firm Specific Information to the Stock Market?** PHD Dissertation, 2009

اجتماعی و انسانی شیراز، دوره ۴، شماره ۱، پیاپی ۶۲، ۱۳۸۹، صص ۸۱-۱۰۹

- عزیزخانی مسعود و زینب آقابلیگی، **بررسی حق الزحمه حسابرسی در حسابرسی نخستین و سنوات آینده دوره تصدی حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار**، فصلنامه دانش حسابداری، دوره ۴، شماره ۱۵، ۱۳۹۲، صص ۱۲۷-۱۰۵
- کرمی غلامرضا، آمنه بذرافشان، امیر محمدی، **بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود**، دانش حسابداری، ۲ (۴)، ۱۳۹۰، صص ۸۲-۶۵
- مهرانی ساسان، محمد مرادی، منصور نخعی، محسن مطمئن، **نقش ویژگی‌های حسابرس در کیفیت سود**، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال پنجم، شماره ۲، شماره پیاپی (۱۶)، ۱۳۹۲، صص ۱۰۸-۹۳
- نمازی محمد، انور بازیدی و سعید جبارزاده، **بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران**، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات حسابداری، سال سوم، شماره ۹، ۱۳۹۰، صص ۱۸-۱
- واعظ سیدعلی، محمد رمضان احمدی و محسن رشیدی باغی، **تأثیر کیفیت حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی شرکت‌ها**، مجله علمی پژوهشی دانش حسابداری مالی، دوره ۱، شماره ۱، ۱۳۹۳، صص ۸۷-۱۰۷
- هرنیدی سارا و جمال برزگری خانقاه، **کیفیت حسابرسی و کیفیت افشا**، دومین همایش ملی مدیریت و حسابداری مهندسی صنایع و سازمانها، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، ۱۳۹۲
- Choi J.H., J.B. Kim, X. Liu, and D.A. Simunic, **Audit Pricing, Legal Liability Regimes, and Big 4 Premiums: Theory and Cross-Country Evidence**, Contemporary Accounting Research, 25 (1), 2009, pp. 55-99
- Choi J.H., C.F. Kim, J.B. Kim, and Y.S. Zang, **Audit Office Size, Audit Quality, and Audit Pricing &**, Auditing: A Journal of Practice & Theory, 29 (1), 2010, pp. 73-97
- Chen Y., and J. Hsu, **Auditor Size, Auditor Quality, and Auditor Fee Premiums: Further Evidence from the Public Accounting Profession**, SSRN Working Paper Series, 2009
- Chen S., S. Lai, C. Liu, and S. McVay, **Overconfident Managers and Internal Controls**, Working paper, National Taiwan University and University of Washington, 2014
- DeAngelo L.E., **Auditor Size and Audit Quality**, Journal of Accounting and Economics, Vol. 3, No. 3, 1981, pp. 99-183
- Desai R., **Audit Fees, Non-Audit Fees, and Auditor Quality: An Analysis from the Indian Perspective**, Available at the following website address: <http://ssrn>.

